

کردند غلمان از سرشك آباد چون باغ زرشك
چون او نیابندی دگر کردند در گیتی اگر
شد از نسیم گفته اش خرم روان تفته اش
بلبل بگل چهچه زندكك دری قهقهه زبند
دانی بدان آزاد مرد آخر زبند عهدی چه کرد
شاخ امیدش ریخت برك از بس سرخوردش نگر
گر برنیاید دوجهان از عهد حقش جاودان
از روزگار باستان خواهی اگرزد داستان
ز آن روکه شد با عروشان جاویدشان نام و نشان
از همت اهل کرم از بذل دینار و درم
آن طافدسی طاق بین آن شمه آفاق بین
بر هر سه فرزند کهن جان بخشد از تازه سخن

تاریخ تعمیر انجمن در خواست فرمودی زمن
آمد صبوری در سخن کز (نظام فردوسی) بجو

يك شخص مهم

بقلم آقای میرزا محمدخان بهادر

(یا میرزا تقی خان اتابك)

میرزا تقی خان اتابك اعظم یکی از اشخاص تاریخی ایرانست که در عهد خود اهمیت زیادی داشته و با هرج و مرج دستگاه سلطنت مخالف بوده و میخواست که دولت ایران را نسبتاً منظم کند ولی از قراریکه از متون تاریخ ظاهر میشود عناصر فاسد بر آن فرد صالح چیره شده و او را خانه نشین ساختند و باین نیز اکتفا نکرده خاطر پادشاه آن زمان را از او مشوب نمودند و عاقبت او را شهید کردند. یکی از متون گرانها که قسمتی مهم از احوال او را نگاشته است کتابی در تاریخ قاجاریه تالیف میرزا احمد خان وقایع نگار شیرازی است که بخط مؤلف نوشته شده و نزد بنده موجود است. این

کتاب (مانند هزاران نسخه های ذقیمت دیگر) تاکنون بطبع نرسیده و حاوی بر بعضی اطلاعات نفیسه در مواضع مختلفه میباشد . مؤلف مشارالیه ظاهراً خیلی کنجکاوی میکرده و مخصوصاً در مورد ظهور باب و بعضی مطالب دیگر اطلاعاتی بدست آورده که دیگران کمتر مییافته اند . چون نگارش او در موضوع اتابك تا درجه ای اهمیت دارد مناسب دیدم که آنرا با اندک تصرفی در اینجا بنویسم . اینرا هم خوبست بگویم که طرز انشای او خیلی سهل و ساده است و از وضع کتاب معلوم میشود که میخواسته بعد از آن تجدیدنظری در آن کند و آنرا پاك نویس نماید .

در ضمن واقعات سنه ۱۳۵۴ مینویسد . « اما قضیه محمره علیرضای پاشا والی بغداد بی سابقه خصومتی در وقتی که محمد شاه دورهرات بود لشگری ساز داده بر محمره تاخت و چون حاکم و اهالی آنجا مسبوق نبودند تا تهیه جدالی کنند ، بر آنها دست یافت و جمعی را قتل و کثیری را اسیر نموده مال وافر بیغما برد و بغداد رفت . این خبر بهرات رسید و میرزا جعفرخان مشیرالدوله برسالت بمملکت عثمانی رفت . عثمانیها چون از دولت انگلیس مطمئن بودند اغلوطه کردند که محمره دراصل از خاک عثمانی و جزو بصره است و ما مختاریم که درباره رعیت خود بهر نحویکه خاطر خواه خودمانست رفتار کنیم . وزرای خارجه اطلاعاتی نداشتند وزیر مختار انگلیس بحمایت عثمانی درآمد و گفت « شما اول اثبات کنید که محمره خاک ایران است آنوقت ادعا کنید » و میرزا جعفر خان لاعلاج برگشت که در اینجا علاجی نماید . دولت عثمانی چون میدانست که خطا از علیرضا پاشا است ایلیچی فرستاد که شاید قرار صلحی بدهد اما حاجی میرزا آقاسی ایلیچی گفت

که « جوابت تو بست و بغداد را میگیرم » الحق چون هرات را فتح کرده و رو سفیدی بار آورده بودند، این ادعا بیجا نبود! و سفیر آنها دلتنگ مراجعت نمود و در اثر او باصرار سفرای خارجه میرزا تقیخان که آنوقت وزیر نظام بود به اصلاح این امر مامور شد.

در ضمن حوادث سال ۱۲۶۰ میسگارد :- « هم در این سال، نجیب پاشای والی بغداد اهل کربلای معلی را قتل عام کرد و قریب نه هزار نفر از اهالی ایران در آن مقدمه بقتل رسیدند. چون این نیز علاوه بر قتل محمره شده بود، پادشاه ایران مصمم قتل بارومیان گردید. وزرای مختار روس و انگلیس صلاح ندیده تعهد اصلاح کردند و میرزا تقی خان وزیر نظام مامور شد که برود و غرامت این دو قفره را از دولت روم مطالبه نماید - مدتی در ارزنة الروم توقف و در جواب و سؤال لطایف و دقائق حکیمانه بکار برده آخر مدلل کرد که باید دولت روم هشت کرویر بعهوض این دو قفره بدولت ایران بدهد - در این سؤال و جواب بودند که بعضی مفسدین ارزنة الروم، با از روی غرض خود یا بتحریک رؤسای ممالک نسبت عمل خلاف شرعی بنوکران وزیر نظام دادند و شورش و ازدحام کرده اطراف خانه وی را احاطه و دو نفر از آدمهای او را مقتول، اما خودش بهیچوجه در مقام مدافعه، بقسمیکه کسی از آنها مقتول و ماده غلیظ شود بر نیامد حفظ خود را، حکام و پیشکاران ولایت را اخبار و بحسن اهتمام آنها وزیر نظام و سایر بستگانش سلامت از منزل خود حرکت کرده بمنزل بحری پاشا رفتند و اموالش تمام بغارت رفت و از دولت روم بعذر آنکه این قفره بلوای عام بوده اگر در مقام سیاست کلیه بر آئیم از عهده بر نمیائیم، بگرفتن دوسه نفر اشرار و دادن پانزده هزار تومان

بهای اسباب و دینه دو نفر مقتول تراضی خاطر میرزا تقی خان را بعمل آوردند و قبل از اتمام امر مصالحه، بمحض رسیدن این اخبار، حاجی میرزا آقاسی که اصلاً رسوم کار نمیدانست، میرزا تقی خان را تاکید کرد که زود باید امر مصالحه را فیصل داده مراجعت نمائی - آنهم چون چنان دید دستی بروی کار کشیده صلح نامه در میان ردو بدل شد و مراجعت نمود و اگر حاجی این اصرار نکرده بود، لامحاله میرزا تقی خان هشت کرور را از دولت روم گرفته بود.

از خوشبختی متن همان معاهده را نیز نگارنده بدست آورده و چون اولاً يك قسمت تاریخی مهمی دارد و ثانیاً اسلوب انشاء آن ایام را نشان میدهد، بدرج آن در اینجا میپردازد. میگوید:

بسم الله الرحمن الرحيم

غرض از ترقیم و نگارش این کلمات خجسته دلالات اینکه از مدتی باین طرف چون فیما بین سلطنت جاوید آیت سنیه و دولت دوزان عزت علیه ابدی الدوام بادولت علیه عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته بود، بنا بر مقتضای التیام اساس دوستی و الفت و ضوابط سلم و صفوت و وجهه جامعه اسلامی که میان دولتین علیتین در کار و افکار سلمیه که وکلای طرفین علیتین بدان متصف میباشند بالسویه این گونه مواد نزاعیه را بوجه موافق و مناسب فخامت شان دولتین علیتین و تجدید تاکید بنیان صلح و مسالمت و تشیید ارکان موالات و مودت، از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده برای تنظیم و مذاکره مواد عارضه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه، بر حسب فرمان همایون اعلی حضرت قدر قدرت کیوان حشمت مملکت مدار ملک گیر، آرایش تاج و سریر، جمال الاسلام و المسلمین

جلال الدنيا والدين . غياث الحق واليقين . قهرمان الماء والطين ، ظل الله الممدود
 فی الارضين . حافظ حوزة مسلماني . داور جمشيد جاه . داراب دستگاه .
 انجم سپاه . اسلام پناه . زينت بخش تخت کيان . افتخار ملوک جهان . خديو
 دريا دل کامران ' شاهنشاه ممالک ايران السلطان بن السلطان بن السلطان .
 والخاقان بن الخاقان بن الخاقان . محمد شاه غازي . ادام الله تعالى سلطنته في
 فلك الاجلال وزين فلك قدره بمصاييح کواكب الاقبال . بنده درگاه آسمان جاه
 ميرزا محمد تقی خان . وزير عساكر منصوره نظام و غير نظام . که حامل
 نشان مبارک شير و خورشيد مرتبه اول سر تپي و حمايل افتخار خاص سزاست
 بوکالت مباهي ومخصوص گشت . و نیز از طرف اعلي حضرت کيوان منزلت
 شمس فلك تاجداري . بدر افق شهر ياري . پادشاه اسلام پناه . سلطان البرين
 وخاقان البحرین ؛ خادم الحرمين الشريفين ذوالشوکه والشهامه السلطان بن السلطان
 ابن السلطان سلطان عبدالمجيد خان جناب مجدت مآب عزت نصاب انوري زاده
 السيد محمد نوري سعدالله افندي که از اعظم رجال دولت عليه عثمانيه و
 حايز صف اول از رتبه اولي و حامل نشان مخصوص بآن رتبه است مرخص
 و تعيين شده بوجه اصول عماديه بعد از نشان دادن و ملاحظه و مبادله وکالت
 نامه های مبارکه انعقاد معاهده مبارکه در ضمن (۹) فقره آيه قرار داده شد که
 در اين کتاب مستطاب بيان و در مجلس منعقد از زانه الروم مبادله ميشود .
 فقره اول - دولتین اسلام قرار میدهند که مطلوبات هديه طرفین را
 که تا بحال از یکدیگر ادعا میکردند کلیتاً ترک کنند وليکن باین قرار که
 بمقاولات تسويه مطلوبات مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خللی راه نیابد .
 فقره دوم - دولت ايران تعهد میکنند که جميع اراضی بسيطه ولايت

زهاب یعنی اراضی جانب غربی آنرا بدولت عثمان ترك كند و دولت عثمانی نیز تعهد میکند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جبالبه آنرا مع دره کردند بدولت ایران ترك كند - و دولت ایران قویا تعهد میکند که درحق شهر زور و ولایات سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده بحق تملکی که دولت عثمانیه در ولایات مذکورہ دارد وقتاً من الاوقات یکطور دخل و تعرض نمایند - و دولت عثمانی نیز قویا تعهد میکند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر و لنگر گاه و هم اراضی ساحل شرق یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است بملیکت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتیهای ایران با آزادی تمام از محلی که به بحر منصب میشود تا موضع التحاق حدود طرفین در نهر مذکور آمد و رفت نمایند .

فقره سوم - طرفین متعاهدین تعهد میکنند که با این معاهده حاضره سایر ادعایشان را درحق اراضی ترك کرده از دو جانب بلا تاخیر مهندسین و مامورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق ماده رساقه حدود ما بین دولتین را قطع نمایند .

فقره چهارم - طرفین قرار داده اند خساراتی که بعد از قبول اخبارات دوستانه دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی الاول سنه ۱۲۶۱ تبلیغ و تحریر و بطرفین داده شده و هم رسومات مراعی از سالی که تاخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت فصل و احقاق بشود از دو جانب بلا تاخیر مامورین را تعیین نمایند .

فقره پنجم - دولت عثمانی وعده میکند که شاهزادگان فراری ایران را

دربروسا اقامت داده غیبت آنها را از محل مذکور و مرادده صحیفه آنها را با ایران رخصت نهد و از طرف دولتین تعهد می شود که سایر فراری ها بموجب معاهده سابقه ارزنة الروم عموماً رد شوند .

فقره ششم - تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و جاریه اموال مذکوره تقدماً یا جنساً بوجهی که در عهدنامه منعقدہ ارزنة الروم در سنه ۱۲۳۸ در ماده دوم که دایر بتجارت است مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهد نامه مذکوره تعیین شده زیاده و جبهی مطالبه نشود .

فقره هفتم - دولت عثمانی وعده می کند که بموجب عهدنامه های سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوار ایرانی اجرا دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند بکمال امنیت محلهای مبارکه را که کائن در ممالک عثمانی است زیارت کنند - و همچنین تعهد میکنند که بمواد استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فی مابین دو دولت اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسب ترین وسایل را استحصال نماید تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه بجمیع امتیازات نایل می باشد ، سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور بوده خواه در تجارت و خواه در موارد سایر از هر نوع ظلم و تعدی و بی حرمتی محفوظ باشند - و علاوه بر این بالیوزهای که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و تبعه و تجار ایرانیه بجمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم بیاید نصب و تعیین شود بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره ، دولت عثمانیه قبول می نماید و وعده می کند کافه امتیازاتی که شایسته منصب و مأموریت های بالیوزهای مذکوره باشد و در حق قونسولهای سایر دول متحابه جاری می شود در حق آنها نیز جاری می شود - و نیز دولت ایران تعهد میکنند بالیوزهای که از طرف دولت عثمانی بجمیع محلهای

ممالک ایرانیه که لازم بیاید نصب و تعیین شود و درحق آنها و درحق تبعه و تجار دولت عثمانیه که بممالک ایران آمد و شد می کند معامله متقابله را کاملا اجری دارد .

فقره هشتم - دولتین علیتین اسلام تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد میباشند تدابیر لازمه را اتخاذ و اجرا کنند و بهمین خصوص در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد و دولتین علیتین تعهد میکنند که از عهده هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع بیاید بر آیند و قرار داده اند عشایریکه متنازع فیہ میباشند و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد از این دائما اقامت خواهند کرد یکدفعه باراده و اختیار خودشان حواله بشود و عشایری که تبعیت آنها معلوم است حیراً باراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند

فقره نهم - جمیع مواد در فصول معاهدات سابقه خصوصا معاهده که در سنه ۱۶۳۸ در ارزنة الروم منعقد شده بخصوصه با این معاهده حاضره الغناء و تغییر نشده مثل اینکه کلمه بکلمه در این صحیفه مدرج شده باشد و کافه احکام و قوت آن ابقا شده است و قیما بین دولتین علیتین قرار داده شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضا شده تصدیقنامه های آن مبادله خواهد شد - و كان ذلك التحرير في يوم سادس عشر من شهر جمادى الثانيه ۱۲۶۳ مطابق ۱۸۴۶ مسیحی - انتهى -

بعد از آن ، درضمن وقایع اولین سال جلوس ناصر الدین شاه ، چنین

مینویسد: بعد از رسیدن اخبار قضیه هایله (مقصودش وفات محمد شاه است) بتبریز

وزرای مختار دول خارج یعنی (خارجه) تفصیل را که مشتمل بر تعزیت و تهنیت بود ، در خدمت پادشاه تقریر ، بعد از اقدام بلازم تعزیت ، روز چهاردهم شوال ۱۲۶۴ در تبریز بر تخت سلطنت جلوس ، و بعد از تهیه و تدارک سفر ملک قاسم میرزا این فتحعلی شاه را در تبریز بحکومت گذاشته روز نوزدهم شوال بالاستعداد تمام از تبریز حرکت - چون میرزا نصرالله نصیر الملک مردی سلیم النفس و کم حال و آثار اقبال کار میرزا تقی خان وزیر نظام (ظاهر) بود ، در اسباب حرکت میرزا تقی خان خدمات شایسته نمود در منزل (اوجان) منصب امیر نظامی یافت - در عرض راه تبریز بطهران ، در هر منزل حکام و عمال با پیشکش و افواج میرسیدند روز جمعه ۲۱ ذیقعده وارد دارالخلافه ، و در همان شب که ساعت خوب بود ، بتخت جلوس فرمود ، و نظر بمساعدت بخت و الحق باستحقاق تمام ، میرزا تقی خان امیر نظام به منصب صدارت عظمی و لقب اتایکی مشرف - حیف ! و صد حیف !! که بخت اهالی ایران مساعد نبود و وزارت اتابک زیاده دوامی نتمود والا بتصدیق دول خارجه و ذوی الشعور ، مدتها بود که در روزگار مردی باین صفات پیدا نشده از حیث عزم و حزم و نظم و رسم و قاعده دانی و سیاست بجا و محبت بموقع ، و رعایت جانب رعیت و مراقبت حال سپاهی و تدبیر جمع خزانه ، بهر حال ، همین قدر از کفایت او مستمعین را نهایت است که پدرش کر بلائی قربان نام ، طبابخ قائم مقام ، و از طبابخی ترقی کرده بنظارت رسید و خودش از بد و طفولیت منظور نظر قائم مقام گردید و همت بتربیتش گماشت و در اندک مدتی در تحریر و استیفاء مسلط شد - محمد خان امیر نظام از قائم مقام خواهش کرد که آدمی کافی و محرم در میان ایشان باشد که مطالبی که بنوشتن راست نمیآید

و بهر کس گفتن نمی شاید ، توسط او بجانبین ابلاغ آید - و قائم مقام میرزا تقی خان را معین کرد و بعد از چندی همراه بعضی از سفراء بیابان رفت و مستوفی نظام شد - بقلیل زمانی وزارت نظام یافت و سفارت روم شتافت - مجملی از بیان سفارت روم او تحریر شد - بعد از مراجعت از ارزنة الروم ، باهمان شغل وزارت نظام مأمور بقرین شد و در زمان حرکت موکب شاهی خدمات نمایان کرده در راه منصب امیر نظامی یافت - بعد از ورود بدارالخلافه ، پا برمسند صدارت عظمی گذاشت ، رسوم نیکو بنهاد و قواعد مذموم برداشت ، هیئتش در دول خارجه اثر کرد ، وزرای مختار دول خارجه که در طهران بودند و در دولت محمد شاه انواع تحکم می نمودند ، بعد از يك دو مجلس سؤال و جواب شنیدن جوابهای شافی باصواب ، با بدامن کشیدند و دیگر از حد خود تجاوز نکردند - حکام ولایات بکلی چشم از تعدی پوشیدند و امنای دولت هر يك بشغل خود قناعت کرده دیگر کرد فضولی نگردیدند - اگر در تفصیل حال او بسط شود ، خارج از مقصود که اختصار است میشود - بعضی از اقارب فقیر که در آنوقت در هندوستان بود تقریر نمود که در زمان صدارت امیر احترامیکه فرنگان بر عیایای ایران میکردند بی اندازه بود حتی اینکه از خلفهای عمده مردم ایران عمداً تغافل میکردند - جامع علوم انسانی

(انعام)

(آثار شاه شجاع)

نقل از سفره کهن سال حضرت تقوی که در زمان شاه شجاع نوشته شده

(من منشاته خلد الله سلطنته)

والعین لفقد حبها انهمت
لیلای مضت و لم تجد ما املت

روحي حملت من الاسی ما حملت
یالھف علی الشباب و العمر اذن